

به کدام سو می‌رود این قطار؟

قطار تعلیم و تربیت، پس از مدت کوتاهی استراحت در ایستگاه تابستان، دوباره شروع به حرکت کرده است. اگر نظام آموزش و پرورش را بدنه‌ی این قطار بدانیم، بی‌گمان آموزگاران و مدیران و کارکنان آموزش و پرورش راهبران و مهمان‌داران این قطارند و دانش‌آموزان مسافران آن.

بدون هیچ تعارفی، وظیفه‌ی رهبران قطار این است که مسافران را سالم و شاداب به مقصد برسانند. مقصد کجاست؟ به گمان من، این مقصد امری است که به فراموشی سپرده شده است و با این قطار در ریلی دیگر افتاده است! اگر مقصد ما تربیت و آموزش انسان‌هایی کارآمد و درستکار باشد، قطار در ریل خود است و با همه‌ی پستی و بلندی‌ها و مشکلات سفر، عاقبت به مقصد می‌رسد. اما ظاهراً راه گمشده است و این قطار بیشتر به سمت مقصدی به نام کنکور و دانشگاه به پیش می‌رود. تلاش‌ها برای ادامه‌ی راه در مسیر درست انجام می‌شود، اما آنچه در عمل می‌بینیم نافرجامی در این امر است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی به عنوان اسناد مصوب نظام در دسترس هستند، اما شاهد بی‌توجهی‌هایی به مفاهیم آن‌ها هستیم. بی‌عدالتی آموزشی هنوز وجود دارد و به دانش‌آموز، به‌عنوان انسانی با همه‌ی ویژگی‌های انسانی و به‌عنوان امانتی که باید سالم به مقصد برسد، کمتر توجه می‌شود.

این وضعیت کنونی ماست. با معلمان بسیاری گفت‌وگو کرده‌ام. شاید تعجب کنید که تعداد زیادی از آن‌ها، از وجود سندی به نام سند تحول و محتوای آن بی‌خبرند. آنچه آن‌ها از آن سند تحول می‌دانند، چند موضوع است که آن هم به‌صورت بخش‌نامه‌ی اجرایی به آن‌ها ابلاغ شده است؛ مثل ارزشیابی توصیفی، طرح جابر، طرح‌های مربوط به درس پژوهی و نظایر آن. این موضوع به مثابه آن است که راهبران اصلی قطار، نه مقصد را می‌شناسند و نه راه را.

امروزه آموزش و پرورش قطاری است که هر کسی، به هر صورتی، در میانه‌ی راه سوار آن شده است. امروزه نیاز داریم به مسیری که در سند تحول تعریف شده است، برگردیم. یک بازآموزی اساسی نیاز است تا سند تحول به‌عنوان یک میثاق‌نامه، ملاک کار قرار گیرد و برنامه‌ی درسی و رویکردهای نوین آن با ادراکی تازه بررسی شوند.

مهم‌ترین اصل در سند تحول این است که ما با انسان یا انسان‌هایی سروکار داریم. کودکان ماشین محفوظات نیستند. آن‌ها به کشف نیاز دارند. کودکان رونویسی‌کنندگان کتاب‌های درسی که ما در اختیارشان گذاشته‌ایم، نیستند. آن‌ها انسان‌هایی با قد و قامت کوچک‌تر هستند؛ با لوحی سفید و تمیز و زلال. آن‌ها به زمزمه‌ی مهر ما نیاز دارند تا به هر بهانه‌ای آرزوی تعطیلی مدرسه را نداشته باشند.

آنچه خواندید شامل همه‌ی دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت نمی‌شود. در این بدنه، آموزگاران بسیاری هستند که از جان مایه می‌گذارند، عاشق کارشان هستند و به دنبال یافتن راه‌های تازه برای پرورش انسان‌هایی توانمند و درستکار.

شما که این مطلب را می‌خوانید، قطعاً از همین دسته معلمان شریف هستید. چون همین ورق زدن این مجله که برای آگاهی‌بخشی بیشتر به شما منتشر می‌شود، نشان‌دهنده‌ی آن است که شما هم معلم جست‌وجوگری هستید.

حرف آخر اینکه، بیایید دست به دست هم بدهیم و با اندیشه‌هایی نو و رو به جلو این قطار شتابزده را در مسیر اصلی بیندازیم تا به مقصد اصلی برسد.